



## دستگیری

## دزدان زاغ‌زن

**افضای باند سارقانی که به شیوه زاغ‌زنی از داخل خودروها کیف‌قاپی می‌کردند، در چند عملیات هم‌زمان دستگیر شدند.**
به گزارش خبرنگار ما، کارآگاهان پلیس آگاهی با بررسی پرونده شکایت تعدادی از مالباختگان با موضوع سرقت لوازم داخل خودرو که به شیوه شکستن شیشه یا تخریب در صندوق عقب رخ می‌داد، موضوع در دستور کار اداره همدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در تحقیقات بیشتر از مالباختگان مشخص شد که آنها پس از مراجعه به بانک، صرافی‌ها و مراکز تجاری مورد سرقت قرار گرفته‌اند و سارقان در فاصله زمانی کوتاهی که آنها کیف خود را داخل خودرو گذاشته بودند، دست به سرقت زده‌اند. بررسی تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مداربسته این مراکز نشان داد سارقان علاوه بر موتورسیکلت با پژو ۲۰۶، پریش‌او پراید هم طعمه‌های خود را تعقیب می‌کنند و پس از سرقت بلافاصله از محل متواری می‌شوند. بدین ترتیب کارآگاهان موفق شدند تصاویر تعدادی از سارقان سابقه‌دار را نیز شناسایی کنند.

به دست آمدن تصاویر، تعدادی از اعضای این باند کارآگاهان با انجام اقدامات پلیسی مخفیگاه همه اعضای گروه را که در تهران، کرج، فردیس، ملارد و شهریار بود شناسایی کردند و پس از هماهنگی قضایی با شعبه سوم بازرسی دادرسی ناحیه ۳۴ تهران واخذ نیابت قضایی موفق شدند در چند عملیات هم‌زمان، تمام اعضای باندا دستگیر کنند.

متهمان پرونده در بازجویی‌ها به چندین فقره کیف قاپی داخل خودرو در مناطق مختلف تهران و همچنین شهرهای حاشیه‌ای اعتراف کردند. متهمان در اظهارات خود عنوان کردند که در چند فقره از این سرقت‌ها با تعقیب خودروهای بخش مواد غذایی و پس از پایان کار آنها باطمینان از وجود پول نقد در داخل این خودروها از آنها هم‌سرقت می‌کردند. همچنین اعتراف کردند در برخی سرقت‌ها لاستیک خودروها را پنجر می‌کردند تا رانندگان مجبور شوند برای پنجرگیری لاستیک از ماشین پیاده شوند. سرهنگ کارآگاه محمد اشرافی معاون مبارزه باسرقتهای خاص پلیس آگاهی پایتخت گفت: مالباختگانی که به این شیوه از آنها سرقت شده می‌توانند برای پیگیری شکایات خود به اداره همدهم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

وی از دستور انتشار بدون پوشش تصاویر تمام اعضای این باند نیز خبر داد و گفت: تحقیقات جهت تکمیل پرونده و شناسایی مالباختگان همچنان ادامه دارد.



**شلیک‌های دانش آموزی در یکی از دبیرستان‌های ایالت واشنگتن امریکا که روز جمعه اتفاق افتاد، نوجوانی را به کشتن داد و چهار نفر را هم مجروح کرد.** بنا بر اعلام پلیس واشنگتن، سایر دانش آموزان نیز وحشت‌زده به سمت پارکینگ و زمین‌های ورزشی مدرسه پناه بردند تا از تیراندازی در امان باشند. «اب‌لامورو» فرمانده پلیس شهر ماریسویل در جمع خبرنگاران گفت: فرد تیرانداز در دبیرستان «ماریسویل - پیلجاک» همدست نداشته و خودش نیز کشته شده است. لامورو افزود: «در حال حاضر، مرگ دو نفر را بر اثر تیراندازی تأیید می‌کنیم که یکی از آنها خود فرد تیرانداز است؛ نفر دوم را نیز فعلانی تأیید کنیم که از بین دانش آموزان بوده است یا جزو کارکنان مدرسه.»

مستولان تانکون از افزایش هویت عامل تیراندازی خودداری کرده‌اند و می‌گویند انگیزه او را از این کار نمی‌دانند. شبکه‌های تلویزیون محلی نیز تصاویری را از دانش آموزان هنگام فرار از ساختمان مدرسه و عبور از زمین‌های ورزشی پخش کردند. دانش‌آموزان همچنین هنگام ورود افسران پلیس، دست خود را به نشانه تسلیم بودن بالا می‌برند. بنا بر اعلام پلیس واشنگتن، در این حادثه دست کم چهار نفر زخمی شده‌اند که حال سه تن از آنها وخیم است و تحت عمل جراحی قرار دارند. دبیرستان ماریسویل بعد از حادثه به محاصره نیروهای امنیتی در آمد و دانش‌آموزان به کلیسای در اطراف مدرسه منتقل شدند تا از آنجا با اتوبوس به خانه‌هایشان بروند.

■ **قتل ۲ معاون کلانتر**

در جریان حادثه‌ای دیگر در ایالت کالیفرنای امریکا عصر روز جمعه، دو مدسلی دو معاون کلانتر را به قتل رساند. متهم ۳۴ ساله که به سوی سه معاون کلانتر و یک شهروند عادی در کالیفرنیا تیراندازی کرده بود، سرانجام بعداز عملیات تعقیب

# حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

**دربروز در ۲ حمله مسلحانه جداگانه**

## امریکامیدان قتل دانش آموزان و کلانتران شد



شش ساعته دستگیر شد. عملیات تعقیب با حضور دهها افسر پلیس در دو ناحیه در شمال کالیفرنیا صورت گرفت. به گفته مقامات امریکا، مظنون ساعاتی بعد از تیراندازی در مناطق تجاری «ساکرامنتو»، داخل خانه‌ای در «ابرن» دستگیر شد. «اسکات جونز» کلانتر ناحیه ساکرامنتو گفت: تیراندازی‌های مرگبار زمانی شروع شد که «دنی اولیور» معاون کلانتر با همکاری ش خودروی مشکوکی را که نزدیک پارک کینگ متلی پارک شده بود، بررسی می‌کرد.

زمانیکه این دو افسر به خودرو نزدیک شدند، سرنشین آن چند گلوله به دنی اولیور شلیک کرد. یکی از گلوله‌ها نیز به پیشانی معاون کلانتر اصابت کرد و باعث مرگ او شد. مظنون سپس در فاصله یک کیلومتری از محل حادثه کوشید

## تلاش برای رضایت اولیای دم سرانجامی نداشت

# ریحانه قصاصی شد

**تلاش‌ها برای رضایت اولیای دم از ریحانه جباری، در پای چوبه‌دار هم سرانجامی نداشت و او سحرگاه دیروز در زندان رجایی شهر کرج قصاص شد.**

به گزارش خبرنگار مار، ریحانه، شامگاه جمعه از ندامتگاه زنان در ورآمین به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد و سحرگاه پای چوبه‌دار چار گرفت. قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادرسی امور جنایی، آن گونه که پیش‌تر وعده داده بود، آخرین تلاش‌ها برای نجات جان ریحانه را به کار بست و از اولیای دم درخواست کرد تا از متهم اعلام گذشت کنند. ریحانه زمانی که مقابل مادر، پسر و همسر مقتول قرار گرفت، از آنها خواست به احترام رسیدن ماه محرم او را ببخشند. اولیای دم اما حاضر به گذشت از متهم نشدند و حکم قصاص پیش از همدین سپیده روز شنبه اجرا شد.

■ **روز حادثه**

ساعت ۱۸ و ۵۰ دقیقه روز شانزدهم تیرماه سال ۸۶، مأموران پلیس از قتل سردی میانسال در یکی از ساختمان‌های مسکونی خیابان میرعماد، مقابل بیمارستان مسهامراد پای خیر و در محل حاضر می‌شوند. محل حادثه ساختمان پنج طبقه‌ای است و جسد در راهروی طبقه سوم قرار دارد. لحظاتی بعد از حادثه قاضی محمدحسین شاملو، بازپرس ویژه قتل در محل حاضر می‌شود و ابتدا جراحی و روی جسد را بررسی می‌کند. جراحی و بریدگی عرضی به طول ۹ سانتی‌متر است نشان می‌دهد که چاقو داخل جراحی حرکت کرده است. بررسی اوراقی که همراه مقتول است، کارت شناسایی او می‌شود، مرتضی سربندی - ۴۱ ساله، بررسی‌های بعدی نشان می‌دهد او مالک تویوتای کمری است که مقابل ساختمان پارک شده است.

پس از آن بازپرس با ردیابی لکه‌های خون، وارد یکی از واحدهای طبقه پنجم می‌شود. اثر ضربه چاقو روی در ورودی دیده می‌شود. در اتاق پذیرایی هم آثار خون مشاهده می‌شود. روی میز پذیرایی او جعبه آمپوه، دو لیوان شربت، یکی پُر و دیگری نصفه و یک بسته لوازم پیشگیری از بارداری کشف می‌شود. زمانی که محتوای لیوان‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود محتوای لیوان دست نخورده آلوده به داروی «دیفوقیلات» ضد اسهال است. وسط اتاق پذیرایی، سجاده‌ای پهن شده و اثر دو کف دست خون آلود روی سجاده دیده می‌شود. بازپرس در بررسی بیشتر، متوجه لکه‌های خون کنار آینه می‌شود. به نظر می‌رسد مرتضی، برای دیدن شدت جراحی پهلویش مقابل آینه قرار گرفته است.

ساکنان ساختمان در تحقیقات اولیه می‌گویند مقتول را نمی‌شناسند. یکی از ساکنان طبقه پنجم، به باز پرس می‌گوید: لحظاتی قبل از حادثه از واحد همسایه صدای خوردن چیزی به دیوار را شنیدیم. به دنبالش آن، فریاد «ای‌دزد» از راهرو بلند شد. بررسی‌های باز پرس نشان می‌دهد که مرد میانسال در حالی که با ضربه چاقو داخل خانه مجروح شده، از طبقه پنجم خارج شده و در راهروی طبقه سوم از هوش رفته است.

■ **آخرین تماس**

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، آخرین تماس مقتول بررسی و مشخص می‌شود او آخرین بار با دختری به نام ریحانه جباری تماس داشته است. با تماس‌های مکرر باز پرس، ریحانه به یکی از تماس‌ها جواب می‌دهد و ادعا می‌کند تهران را به مقصد شهری در شمال کشور ترک کرده است، اما ردیابی تماس‌های او نشان می‌دهد

## بخشش قاتل به احترام محرم

**یک محکوم به قصاص به احترام ماه محرم در خلیل‌آباد خراسان رضوی پای چوبه‌دار بخشیده شد.** دادستان خلیل‌آباد گفت: متهم یک سال و نیم قبل راننده مسافری را با انگیزه سرقت خودرو به قتل رسانده و از محل گریخته بود. حمیدرضا دشتبان

ریحانه در خانه‌شان است. باز پرس لحظاتی بعد مقابل خانه ریحانه حاضر می‌شود و بعد از چند تماس، او را مجبور به تسلیم شدن می‌کند. ■ **اقرار به قتل**

در بازرسی از اتاق ریحانه روسری خون آلود و آلت قتل که یک چاقوی آشپزخانه است به همراه جلد آن پیدا می‌شود. تحقیقات بعدی فاش می‌کند که ریحانه چند روز قبل از حادثه قصد تعرض دارد. بعد از اینکه اولین نمازش را خواند، به طرف آمد و گفت روسری‌ات را بردار. با دیدن مقاومت من، به سمت سجاده رفتم. من هم چاقویی از روی اوین برداشتم و او را زدم. مرتضی صدلی را به طرفم پرتاب کرد که به دیوار برخورد کرد. در حالی که به دنبال بود، از در خارج شدم و با اسانسور از ساختمان بیرون رفتم. برای لحظاتی مقابل بیمارستان منتظر ماندم. وقتی دو خودروی پلیس از راه رسیدند و مقابل ساختمان توقف کردند، یکی ماشین درست گرفتیم و به خانه رفتم.

وقتی باز پرس سؤال می‌کند که کاغذ خرید چاقو را در خواش پیدا کرده، ریحانه حرف‌هایش را تغییر می‌دهد و می‌گوید قبول دارم. من ۱۴ تیرماه یعنی دو روز قبل از قتل چاقو را برای دفاع از خودم خریدم. ریحانه درباره نحوه وزن ضربه می‌گوید: متوجه نشدم چاقو را چطور زدم، او در پاسخ به این پرسش که چرا فرار نکردی، می‌گوید: اولین چیزی که به ذهنم رسید همین بود. او در پاسخ به این پرسش که امکان فرار داشتی، می‌گوید نمی‌دانم. ■ **۲ روایت از یک ماجرا**

ریحانه در بررسی‌های بعد، درباره نحوه آشنایی با مقتول دو روایت را مطرح کرده است. نخست گفته است: در رستوران «رد کی» داشتم تلفنی با مشتری حرف می‌زدم که مردی نزدیک شد و خودش را پزشک معرفی کرد. گفت برای تغییر دکوراسیون مطبش می‌خواهد از من کمک بگیرد. شماره مرا گرفت و پنج روز بعد تماس گرفت و قرار گذاشت. در خیابان سوار خودروی کمری او شدم و در برج میرعماد رفتم. وقتی دیدم محل مسکونی است در را باز گذاشتم و روی صدلی نشستم. ما در خانه تنها بودیم. دو لیوان شربت ریخت. خودش یکی از آنها را خورد اما من، از ترس خواب‌آور بودن نخوردم. خواست روسری‌ام را بردارم. بعد از پهن کردن سجاده، ماهواره را روشن کرد. بعد به نماز ایستاد. پس از خواندن نماز اول خواست مرا بغل کند. وقتی ممانعت‌مرا دید به طرف سجاده برگشت. چاقو را از روی اوین برداشتم و به او ضربه زدم. مرتضی هم با صدلی همراهی کرد. من هم چاقو را برداشتم و از خانه فرار کردم.

■ **آشنایی خیابانی**

ریحانه در جایی دیگر از پرونده در باره نحوه آشنایی‌اش با مقتول روایت دیگری را مطرح می‌کند و می‌گوید: در خیابان اقدسیه ایستاده بودم که تویوتای کمری چندبار برای سوار کردن من توقف کرد، تا اینکه سوار شدم. ضبط روشن بود و آهنگ «دی‌دو» پخش می‌شد. در صدلی عقب هم یک میکروفر قرار داشت. راننده که



خودروی دیگری را سرقت کند، اما با مقاومت راننده روه‌رو شد و به سمت او نیز شلیک کرد. اسکات جونز گفت از سلامت راننده اطلاعی ندارد، اما این شخص هنگام انتقال به بیمارستان، زنده و هوشیار بوده است.

مظنون سرانجام یک دستگاه خودروی پیکاپک را سرقت کرد و به منطقه‌ای در فاصله ۴٫۸ کیلومتری شمال ساکرامنتو گریخت. در آنجا، یکی از ساکنان منطقه که از مشخصات خودروی سرقت شده اطلاع داشت، موضوع را به پلیس گزارش کرد. افسران پلیس به محل یورش بردند و مظنون نیز به سمت دو نفر از آنها تیراندازی کرد. همین مسئله باعث شد تعقیب گسترده اولیور شلیک کرد. یکی از گلوله‌ها نیز به پیشانی معاون کلانتر اصابت کرد و باعث مرگ او شد. مظنون سپس در فاصله یک کیلومتری از محل حادثه کوشید

و سرانجام عامل تیراندازی دستگیر شد.



مردی میانسال بود، خودش را پزشک معرفی کرد. درباره مشخصات من، سن، قد، وزن و... سؤال کرد. شماره‌اش را داد که با گوشی خود تماس گرفتم و شماره‌ام را ذخیره کرد. گفت که جراح ترمیمی است و سفرهایی به اروپا دارد. مطبی در قلبک و دفتتری هم در میرعماد دارد که می‌خواهد دکوراسیون آن را تغییر دهد. ریحانه در پاسخ به این پرسش باز پرس که چرا با مردی غریبه که از تو بزرگ‌تر بود همراه شدی می‌گوید: مرتضی گفت که می‌خواهد به سفر خارج برود و حاضر است ماشینش را در قبال یکسری «سرویس» به من امانت دهد که من قبول کردم. ریحانه می‌گوید خواسته من تنها دوستی بود نه داشتن رابطه جنسی. باز پرس سؤال می‌کند داشتن رابطه دوستی به هر قیمتی که ریحانه پاسخ می‌دهد نه به هر قیمتی.

ریحانه در تحقیقات بعد می‌گوید که مرتضی گفته بود که دارای روایتی با دستگاه‌های کشور است. از من تست هوش گرفت که ۹۹ درصد شدم. خواست برای خودم اسمی مستعار انتخاب کنم که من «کندر» را انتخاب کردم. گفت یکی از بستانش ۲۶ پسر و ۴ دختر را معرفی کرد و می‌خواهد مرا به عنوان رئیس دخترها انتخاب کند. اما گفت برای چه کاری که من اعتماد کردم.

■ **تغییر اظهارات**

ریحانه در تحقیقات بعدی هم ماجرای تازه‌ای وارد روایت‌های خود می‌کند و می‌گوید: روز حادثه یکی از دوستان مقتول در خانه بسود. البته او ذن ضربه را ندید اما با فریاد من خودش را رساند و از ماجرا باخبر شد. تحقیقات بعدی باز پرس نشان می‌دهد که ادعای ریحانه درست نیست و شخصی که او معرفی کرده بود، وجود خارجی نداشته است. ریحانه می‌گوید برای تغییر تحقیقات پلیس این شخص خیالی را وارد ماجرا کرد است.

■ **تحقیق از مدیر شرکت**

مدیر شرکتی که ریحانه در آنجا کار می‌کرد، وقتی بازجویی می‌شود می‌گوید: ریحانه از سال ۸۵ به عنوان بازار یاب شروع به کار کرد و بعد مسئول بخش بازرگانی شرکت شد اما درباره تغییر دکوراسیون فعالیت نداشت. او بیشتر وقتش را داخل شرکت سپری می‌کرد و کمتر گفت پدرش قرار است یک تویوتای کمری بخرد. عصر گفت پدرش قرار است یک تویوتای کمری به دنبالش آمد و هم یک تویوتای کمری مشککی رنگ به دنبالش آمد و شرکت را ترک کرد. مدیر شرکت می‌گوید: در مدتی که ریحانه در اینجا کار می‌کرد متوجه دروغ‌هایش شدم. او خودبیزرگین بود و تلاش می‌کرد خودش را بزرگ‌تر از چیزی که هست جلوه دهد.

■ **نگاه نزدیک**

بررسی‌های بیشتر باز پرس نشان داد که نام کامل ریحانه، ریحانه جباری ملایری است که او پسوند

افزود: مأموران پلیس بعد از تحقیق وی را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اقرار کرد و بعد از محاکمه به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. محکوم خود پس از آن رأی دادگاه در دیوان عالی کشور تأیید و بخشیدند.

یکشنبه ۴ آبان ۱۳۹۲ | اول محرم ۱۴۳۶

## حوادث

جلال ستوده

### شاید بدون جنجال رسانه‌های

### معاند ریحانه رضایت می‌گرفت

پرونده‌های بسیاری با موضوع قتل در محاکم کیفری استان هار سیدگی می‌شود. جلسه رسیدگی به این پرونده‌ها، به خاطر اهمیت موضوع، یعنی مطرح بودن «حاج انسان» با حضور پنج قاضی نماینده دادستان رسمیت پیدا می‌کند. رسیدگی به جرایم هر پرونده بر اساس محتویات آن، یعنی تحقیقات کامل پلیسی و قضایی صورت می‌گیرد. بعداز هر حادثه قتل، مأموران پلیس و باز پرس در محل حاضر و تحقیقات اولیه را انجام می‌دهند. در صورتی که متهم بازداشت شود و به جرم خودش اقرار کند، حرف‌های او بر اساس گزارش بررسی صحنه جرم، نظر به پزشکی قانونی درباره علت قتل، اظهارات شاهدان، بررسی تماس‌ها، پیامک‌ها... مورد توجه قرار می‌گیرد تا تحقیقت درباره علت قتل کشف شود.

ریحانه جباری، بسن هزاران متهم که تاکنون در محاکم کیفری پای میز محاکمه حاضر شده‌اند، از سوی هیئت قضایی مجرم شناخته و به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم و رأی درباره وی اجراء شد. ریحانه، تنها متهمی نیست که پرونده او به رسانه‌ها راه پیدا کرد اما از معدود پرونده‌هایی است که طرح آن در رسانه‌ها حاشیه‌های بسیاری مواجه شد.

عمده‌ترین دلیل مورد توجه قرار گرفتن این پرونده، طرح این موضوع از سوی متهم است که «مقابل تعرض مقتول، قصد دفاع داشتم»، موضوعی که خیلی زود مورد اقبال رسانه‌های معاند قرار گرفت و به عمده‌ترین دلیل برای هل دادن متهم پرونده به سوی طناب دار تبدیل شد.

ریحانه در بازجویی‌ها اقرار کرده است که قبل از رفتن به خانه مقتول چاقو خریده، با خواست و اراده خودش سوار بر خودروی او شده و گام در خانه‌ای نهاده که مقتول در آنجا تنها بوده است. او همچنین در تحقیقات اقرار کرده است که در قبال گرفتن خدمات، سرویس می‌داده است؛ موضوعاتی که با دفاع مشروع مغایرت دارد.

نباید از نظر دور داشت که افراد جامعه در صورتی که مرتکب جرم شوند بر اساس قانون مجازات اسلامی محاکمه و مجازات خواهند شدند. ریحانه هم بسن متهمان دیگری که مرتکب جرم شده‌اند در جریان همین تحقیقات به جرم خودش اقرار کرده و دفاع وی از سوی هیئت قضات دفاع مشروع تشخیص داده نشده است، چرا که او اقرار کرده بود، مقتول را در حال خواندن نماز هدف قرار داده و در حالی که در خانه قفل نبوده، فرصت فرار یا درخواست کمک داشته است.

فراغ از مسائل طرح شده، قانون اعلام گذشت از متهم با شرایط مطرح در پرونده را در اختیار اولیای دم می‌دهد اما در این خصوص، متهمان از سوی دادستان تا پای طناب دار، برای جلب رضایت اولیای دم به کار گرفته شد، اما آنها حاضر به اعلام گذشت نشدند و ریحانه مطابق قانون مجازات از تردیدی وجود ندارد که گره زدن مسائل خارج از ریوه قضایی، آن گونه که رسانه‌های معاند آن را دنبال کردند، دفاع نامشروع از متهم است. چه بسا اگر پرونده در شهری دیگری و به دور از جنجال‌های ایجاد شده رسیدگی شده بود، متهم موفق به جلب رضایت از اولیای دم شده بود، چرا که بخشی از وظیفه قانونی شعب اجرای احکام در دادرسی امور جنایی تلاش برای جلب رضایت از اولیای دم می‌باشد.



### حمله اوباش

### به طلبه آمر به معروف

طلبه خرم‌آبادی به دلیل تذکر لسانی هدف ضربات چاقو قرار گرفت و راهی بیمارستان شد. به گزارش مسئول، حجت‌الاسلام محسن میرزایی، شامگاه پنج‌شنبه در خیابان مطهری خرم‌آباد، یک نفر را به صورت لسانی امر به معروف کرد. لحظاتی بعد فرد را شاد شده با همدستی سه نفر از دوستانش طلبه امر به معروف را با ضربات چاقو هدف قرار دادند و از محل گریختند. یکی از شاهدان گفت: چهار پسر جوان هم‌زمان به طلبه حمله و او را با ضربات چاقو مجروح کردند. طلبه امر به معروف روی تخت بیمارستان گفت: هنگام عبور از محل با صحنه غیراخلاقی مواجه شدم و به او تذکر لسانی دادم. در حالی که فرد مذکور شرفه‌هاشین را پایین کشیده بود و مشغول حمله می‌بودیم، شیشه‌هایش را بالا کشید و مرا چندین متر با ماشین عقب کشید و من با دست شیشه را شکستم تا له نشوم. در همان حال چند نفر از ارادل به من حمله کردند و یک نفر از پشت مرا گرفت و چند نفر دیگر با قهقهه به من حمله کردند و قصد وارد کردن ضربات قهقهه به سمت قلب مرا داشتند که من دستم را روی قلبم سیر کردم که قهقهه‌ها به دستم خورد. بعد هم قلم‌های من را گریختند.